



بی صبری در اجتماع

یکی از سوالاتی که مقام معظم رهبری، درباره سبک زندگی مطرح نمودند، این بود که در محیط اجتماعی، برخی ها پر خاشگری های بی مورد می کنند. علت پر خاشگری و بی صبری و نابداری در میان بعضی از ما چیست؟ شما می بینید، این قدر صبر کم شده است که اگر چراغ خطر، یک بار قرمز شود، شخص اعصابش خُرد می شود. یا اگر چراغ سبز شود و یک ثانیه، ماشین جلویی حرکت نکند، ماشین های عقبی چه می کنند؟ دست ها روی بوق. خُب، یک مقدار انسان صبر کند. چه اتفاقی می افتد؟ امروزه، بسیاری از حق الناس هایی که انسان بدست می آورد، بخاطر همین بی صبری هاست. شما می بینید، جای پارک هست و می تواند ماشین را چند متر جلوتر بگذارد، مزاحم کسی هم نیست. اما، همینجا و دوبله پارک می کند. خُب این ۱۰ متر جلوتر، چقدر وقت انسان را می گیرد؟ چرا انسان صبر نکند؟

داستانک

آیت الله بروجردی شخصی را به عنوان نماینده خود برای تبلیغ به منطقه ای فرستادند. وضعیت آن منطقه، خیلی خوب نبود. بسیاری شراب خوار و اهل قمار بودند. دیدند از وقتی این روحانی آمده، فساد کم شده است و کسی با آنها قمار بازی نمی کند. دیگر شراب خواری نیست، دیگر زنها مثل قدیم نیستند. گفتند: باید کاری کنیم که این عالم از این شهر برود، کم کم، تهمت زدند، گفتند: این عالم، دروغگوست، این عالم، دزد است، گذشت. گفتند: این عالم شراب خوار است. فشارها که زیاد شد، یک روز عالم، مردم را در مسجد جمع کرد، این لات ها هم آمدند. گفتند: خوب است، دیگر حتماً این عالم می گوید: می خواهم بروم، عالم گفت: مردم، اگر شنیدید من شراب می خورم، باور کنید. اگر شنیدید من خلاف منافی عفت انجام دادم، باور کنید. اگر شنیدید من دروغی می گویم، باور کنید. اگر هر گناهی از من شنیدید، باور کنید، اما مردم! یک چیز را باور نکنید، اینکه بگویند: فلانی از این روستا می رود. من اینجا هستم.

بی صبری در عبادات

این صبر نداشتن ها در عبادات هم هست. کسانی که مسجد نمی آیند که هیچ. شما می بینید که شخص، نماز جماعت می خواند، اما بعد از نماز، گویی، زیر فرش های مسجد، فتر گذاشته اند، بعد از یک سجده شکر و دو صلوات، رو به مردم بر می گردم، می بینم تقریباً نصف مسجد خالی است. اینها چه جور، در فرصت یک سجده شکر، توانستند مسجد را ترک کنند؟ چقدر بی صبری؟ معلوم است که خداوند هم به انسان اهمیت نمی دهد. روایت است، بعد از نماز، شما یک دعای مستجاب دارید، کسی که بعد از نماز، دعای مستجاب نمی کند، توقع دارد خداوند به او چه بگوید؟ مثلاً اینکه بنده به شخصی بگویم: آقا اگر در خواستی دارید بگویید. اما او رویش را برگرداند و برود. خداوند می فرماید: بنشین و حاجت را بگو. من می گویم نمی خواهم. چه کسی ضرر می کند؟ خود انسان ضرر می کند. این بی صبری انسان، در عبادات است. اصلاً نماز آمده تا به ما، صبور بودن را بیاموزد. همانطور که نماز آمده تا به ما، ایثار و یاد شهدا را بیاموزد (با مهر تربت نماز بخوان و یاد شهدا باش) یاد صالحین یاد بدهد. نماز آمده، به ما همه خوبی ها را بیاموزد که یکی از آنها صبر است. روزه آمده به ما صبور بودن بیاموزد. امر به معروف و نهی از منکر آمده تا به ما یاد بدهند که چگونه صبر کنیم. وقتی ما یک جمله می گویم، توقع نداشته باشیم که شخص مقابل بگوید لطف کردید. طبیعی است که به ما بگوید: به تو چه مربوط؟ ما باید صبر کنیم. جهاد آمده تا به ما یاد بدهد که صبر کنیم. حج به ما یاد داده که صبر کنیم. انسان باید در تولی و تبری، صبر داشته باشد. چون انسان وقتی محبت این خاندان را به دل گرفت، طبیعتاً دشمنی ها شروع می شود. راس عبادت، صبر است.

صل الله علیه و آله

رمز موفقیت پیامبر

خداوند رمز موفقیت پیامبر را در قرآن چه بیان می فرمایند؟ نمی فرماید: پیامبر! چون علی (ع) را به تو دادیم، مردم اطرافت جمع شده اند. چون کوثر به تو دادیم، مردم اطرافت جمع شدند. چون قرآن یا معجزه دادیم، مردم اطرافت جمع شدند و... خداوند می فرماید: پیامبر! (وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظًا لَفَلَبَ لَنْ فَضُّوا مِنْ خَوْلِكَ، پیامبر اگر بد اخلاق بودی، همه از اطرافت می رفتند). حضرت علی علیه السلام، حضرت زهرا سلام الله علیها و قرآن، جای خود، اما اگر بد اخلاق بودی، اینها هم نمی توانستند کاری انجام بدهند و همه از اطرافت می رفتند. تبلیغ دین با خوش اخلاقی. این که می بینید بعضی ها نماز نمی خوانند، ایرادش به خاطر ما هست. اگر نماز خوان ها خوب و خوش اخلاق بودند، بی نمازها هم نماز خوان می شدند. وقتی گفتند: این هم از نمازخوانش، هر چه از دهانش بیرون می آید، فحش است. این نماز است؟ این (تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ) است؟

ایمان و صبر، شفاف انتفاع

اما می بینید انسان صبر ندارد. گاهی که جوانها که پیش ما می آیند و می خواهند خواستگاری بروند، ما می گوئیم، حتماً سوال کنید که آیا شخص نماز اول وقت، می خواند یا نه؟ فکر می کند ما چون عبا و عمامه داریم، این را می گوئیم، نه ربطی ندارد. برای دختر خانم آمدند خواستگاری. در صحبت، سوال می کند، آقا ببخشید، شما اهل نماز هم هستید؟ جوان می گوید: چرا خانم؟ خودتان نماز می خوانید؟ می گوید: نه. اما برایم مهم است که شما نماز می خوانی یا نه؟ می گوید: نه. خانم! اگر خودت هم نماز نمی خوانی، بگو نخواستمت. کسی که برای دینش ارزش قائل نشود، برای تو خانم هم ارزش قائل نخواهد شد، کسی که برای خدای خودش تره هم خرد نکند، در زندگی برای تو چه می خواهد خرد کند؟ روایت است که آمد نزد امام (از امام حسن مجتبی علیه السلام و نیز از امام سجاد علیه السلام نقل شده است) گفت: آقا! برای دخترم خواستگار آمده است. آیا جواب بده، بدهیم یا نه؟ امام فرمودند: مومن هست یا نه؟ دخترت را به عقد مومن در بیاور. ملاک این بود، چرا؟ اگر دخترت را دوست داشته باشد که به او محبت می کند و اگر دوست نداشته باشد، به خاطر ایمانی که دارد به او محبت می کند و به او ظلم نخواهد کرد. کسی که نماز خوان است صبرش زیاد می شود. خداوند در قرآن به پیامبر اکرم صل الله علیه و آله می فرماید: پیامبر! (وَلِرَبِّكَ فَاصْبِرْ، برای پروردگارت صبر کن). یا در جای دیگر می فرماید: (فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُولُو الْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ، صبر کن، همانگونه که پیامبران اولوالعزم صبر کردند). بعضی ها، خیلی شکستنی شدند. می گوئیم: چرا ریش نگذاشته ای؟ می گوید: مسخره ام کرده اند. خُب، صبر چیست؟ چادرش را کنار می گذارد، چون مسخره اش کرده اند. یک مقدار صبر کنیم در زندگی. به خاطر دینمان صبر داشته باشیم.

خداوند آیت الله صفایی حائری را رحمت کند. کتاب های ایشان برای طلاب و دانشجویان خیلی مفید است، خصوصاً برای کسانی که پیش شما می آیند و می گویند: می خواهیم طلبه بشویم یا راهی را انتخاب کنیم. مقدمه حدوداً ۶۰ صفحه ای کتاب استاد و درس (صرف ونحو) ایشان واقعاً عالی است.

در آنجا نقل است که: «یک روز به آن گرامی گفتم: من وقتی از بعضی افراد گستاخ در کوچه و خیابان، حرفی می شنوم، پاسخ می دهم. شما چطور؟ استاد فرمود: من پاسخ نمی دهم؛ چون آدم ها انگیزه های گوناگون دارند؛ یا نمی دانند یا از نفرت هایی انباشته اند یا بدبین اند. من یا می گذرم «مَرَوَا کَرَاماً» یا با آن ها حرف می زنم. و تعریف کرد: روزی در خیابان هاشمی تهران می رفتم. جوان موتور سواری به همراه سواری بر ترک، اشاره ای کردند که فهمیدم می خواهند زیر عمامه ام بزنند. برای همین به پیاده رو رفتم. وقتی به کنارم رسیدند، از کارشان مأیوس شدند. توقف کوتاهی کردند و یکی از آن دو حرفی گفت که مفهوم آن تعوّط به عمامه ام بود.

دستی به عمامه ام کشیده و گفتم: خبری نشد؟! ناگهان ایستادند و موتور را روی جک گذاشته و به طرفم آمدند. سرها را پایین گرفته و با شرم گفتند: آقا! عفو کنید. کلام مظلومانه و از سر خیرخواهی چنین اثر می گذارد. با آن دو صحبت هایی شد... بعد نگاهش را به من دوخت و با تائی فرمود: یکی از آن ها به حوزه آمده و طلبه شد و یکی به جبهه رفت و میان بر زد..

عجله یا سبقت

در روایت داریم، که عجله کار شیطان است. اما از آن طرف هم دقت کنیم، در بعضی از کارها باید عجله کرد. «فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَ». گاهی منظور از عجله، کاری است که قبل از وقت و بی موقع انجام شود. مثلاً نماز ظهر را ساعت ۹ خوانده است، این عجله از کار شیطان است. گاهی اول وقت می خواند، که این سبقت است. پس عجله را با سبقت اشتباه نکنیم.

خط امام

آمدند نزد امام و گفتند: این آقای تهرانی، در رادیوهای عراق و... خیلی فحش به شما می دهد. امام فرمودند: اتفاقاً دو شب پیش، در نماز شب، خیلی دعایش کردم. این می شود اخلاق کریمانه که انسان، دشمن خودش را هم ببخشد. اما یک نکته را دقت کنید، گاهی اوقات در بخشش، یک مورد را خلط می کنیم. وقتی مخلوط می کنیم چه می شود؟ می گوئیم امام حسین(ع) خُر را بخشید، پس ما هم باید سران فتنه را ببخشیم. ببینید بزرگواران، گناه دو نوع است. گاهی فردی است و گاهی اجتماعی. هر دو هم توبه دارد. گناه فردی توبه اش «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَّصُوحاً...» و «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَى أَنْفُسِكُمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ، چرا از رحمت من خدا ناامید شدید؟ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعاً» خداوند همه گناهانمان را می بخشد». این گناه های فردی است. گناه اجتماعی، را چگونه باید توبه کنیم؟ قرآن کریم چه جریانی را معرفی می کند؟ جریان مرتد شدن قوم بنی اسرائیل. «تَوْبُوا إِلَى بَارِئِكُمْ فَاقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ، خُب، بکشید یکدیگر را» یعنی توبه تان مرگ است، اگر می خواهید پاک شوید، باید کشته شوید. سران فتنه، توبه بکنند و اگر موفق به توبه شدند، توبه شان اعدام است. اعدامشان بکنند توبه شان پذیرفته می شود. مثل حدود الهی است، کسی که زنا کره است، اگر مخفی بوده است و کسی نفهمید، بین خود و خدایش توبه کند، ولی اگر ۴ شاهد آمدند، یعنی گناه علنی بوده است و گناه علنی، توبه اش حد است. حد بخورند پاک می شوند. در بحث بخشش دشمن، انسان از حق مردم که نمی تواند بگذرد. اصلاً مقام معظم رهبری، بعضی از این منافقان را عفو کنند، مردم عفو نمی کنند. حق مردم بوده است، خُب، رهبری هم این کار را نمی کنند. مگر حضرت علی علیه السلام این کار را نکردند؟ و فرمودند: من عایشه را بخشیدم. پس چرا تبعیدش کردند و بدون دادگاه زندانی اش کردند؟ تا زمانی که حضرت علی علیه السلام زنده بودند، عایشه در حصر خانگی بود. مگر حضرت نبخشیده بودند؟ چرا، اما از حق مردم که نمی توانند بگذرند. این همه آدم در جمل کشته شده بود. (فتنه گر کسی است که بر جامعه اسلامی شمشیر بکشد، ما چرا می گوئیم سران فتنه محارب اند؟ چون اینها، دستور به کشته شدن افراد دادند و گفتند: یا بکشید یا کشته می شوید، یعنی علناً با کشور اسلامی جنگ شروع کردند).

تمام نیروها برای فدا

طلبه ها کلاً حاضر جوابند. به خاطر درس اصول که می خوانند. اما بزرگواران! این هنر نیست، هر جواب دادنی، هنر نیست. نگاه کنیم که آیا با جواب دادنمان اسلام تقویت می شود یا با جواب ندادمان. ما مقلد کدام مکتبیم؟ مقلد مکتبی که یک امامش صلح کرد و یک امامش جنگید، یک امامش نشست و یک امامش ایستاد. ما مبلغ این مکتبیم. قرار نیست دلمان برای ما تصمیم بگیرد. گاهی اوقات اینطور است که اگر یک نفر حرفی می زند و شما هم به او پاسخ می دهید، خود او کیف می کند. خُب اینجا جواب می دهی. بسیاری از جاها هم انسان نباید جواب بدهد. «رَبِّ كَلَامٍ جَوَابُهُ أَلْسَكُوتُ» چه بسیار کلامی که جوابش سکوت است. «إِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَاماً» خیلی وقتها جاهل که با انسان صحبت می کند، چیزی نباید به او بگوئیم. این می شود صبر. خیلی هم سخت است که یک نفر به شما حرفی می زند و شما جواب را دارید، اما به خاطر دین نمی گوئید.

عصر بی صبری

الان حقیقتاً دوران بی صبری است. انسان، حالی ندارد و همه چیز، زود پز شده است. حوصله میوه خوردن نداریم، پس، آبمیوه بخوریم. این خیلی عجیب شده است و شخص، اصلاً حال ندارد. اگر صبرمان را زیاد نکنیم، بعد از ازدواج، ضربه می خوریم. خانم یک جمله به ما بگوید، از کوره در می رویم یا برعکس. جمله ای که امام خمینی(ره) فرمودند: بروید با هم بسازید، با این سبک زندگی الان دیگر نمی شود. اگر صبر داشته باشیم در زندگی دعوا نمی کنیم. این آمار طلاق، آمار فاجعه برانگیزی است، که در مشهد از هر سه ازدواج، یکی به طلاق منجر می شود. یعنی یک خانواده ای که سه دختر دارند، طبیعتاً یکی باید طلاق بگیرد. اینها از کجا شروع می شوند؟ از بی صبری ها. آن وقت ما می خواهیم در مسائل سیاسی، خیلی مسائل بصیرتی داشته باشیم. یک جمله به او می گوئیم، دیگر تمام است، شخص را کافر می داند و تکفیرش می کند. اینها از بی صبری است..

داستانک

سلمان فارسی، زمانی که حاکم مدائن بود و جایگاه بالایی داشت، شخصی از کنارش عبور کرد و گفت: ریش تو بهتر است یا دُم سگ؟ (آن موقع حاکم مدائن مانند فرماندهان نظامی الان اهمیت داشت) سلمان فرمود: اگر این ریش از پل صراط گذشت، بهتر است و اگر نگذشت، دم سگ، بهتر است. این می شود صبر داشتن.